

## بررسی جایگاه ایثار در نظریه خودگرایی روان‌شناختی و ارزیابی آن با آموزه‌های اخلاقی قرآن

اکبر عروتنی موفق\*

### چکیده

خودگرایی روان‌شناختی<sup>۱</sup> از مباحث مهم علم‌النفس اخلاقی و به عنوان نظریه‌ای در باب انگیزه‌های رفتار آدمی بشمار می‌رود. براساس این نظریه، هدف غایی تمامی رفتارهای آدمی از جمله ایثار، خوددوستی است. با توجه به اهمیت ایثار در اخلاق اسلامی در این مقاله که به‌روش توصیفی - تحلیلی به نگارش درآمده، جایگاه ایثار در نظریه خودگرایی روان‌شناختی بررسی شده و با آموزه‌های اخلاقی قرآن مورد ارزیابی قرار گرفته است. منحصر دانستن انگیزه‌های آدمی در انجام افعال، به خوددوستی و تفسیر خودخواهانه داشتن از ایثار در نظریه خودگرایی روان‌شناختی، از نگاه تک‌ساحتی به انسان و تقلیل ارزش‌های والای انسانی در حب ذات به معنای مادی آن در زندگی سرچشمه می‌گیرد در حالی که آموزه‌های قرآنی، منشأ و انگیزه افعال متعالی و ارزشمندی همانند ایثار را من ملکوتی انسان دانسته است. از نظر قرآن کریم ایثار با انگیزه وصول به کمالات متعالی و کسب رضایت حق تعالی و نائل شدن به مقام قرب الهی صورت می‌پذیرد نه صرفاً برای آسودگی خاطر و آرامش فرد ایثارگر.

### واژگان کلیدی

ایثار، خودگرایی روان‌شناختی، آموزه‌های اخلاقی، قرآن.

## مقدمه

اندیشه فلسفی جدید در باره اخلاق، در خلال انقلاب عظیم فکری، سیاسی و دینی در نیمه نخست قرن هفدهم آغاز شد. (شفیوند، ۱۳۷۸: ۱۲۱) در طی قرون هفدهم و هجدهم تعداد زیادی از نظریه‌های اخلاقی توسط اندیشمندان منتشر گردید. برخی با در نظر گرفتن مبانی و اصول مورد نظر فلاسفه اخلاق، این نظریات را در چند گروه دسته‌بندی نموده‌اند: ۱. نظریه‌پردازان قانون طبیعی؛ ۲. عقل‌گرایان؛ ۳. نظریه‌پردازان خودگروی؛ ۴. نظریه‌پردازان خودمختاری (شفیوند، ۱۳۷۸: ۱۲۳) خودگرایی<sup>۱</sup> به‌عنوان نظریه‌ای فلسفی دارای دو شکل روان‌شناختی و هنجاری است. (کمپیل، ۱۳۸۰: ۲۱) خودگروی روان‌شناختی<sup>۲</sup> نگرشی است که معتقد است، مردم به‌طور طبیعی خودگرا هستند؛ (Pojman, 1999: 66) یعنی به‌طور طبیعی انگیزه آنها تنها دنبال نمودن نفع شخصی خویش است. باید توجه داشت خودگروی روان‌شناختی به‌معنای دقیق کلمه، مربوط به اخلاق نیست؛ چراکه خودگروی روان‌شناختی صرفاً مدعی توصیف سرشت خودگرایانه انگیزه‌های انسانی است و در پی تعیین ارزش اخلاقی چنین انگیزه یا رفتارهای ناشی از آن نیست، ولی علی‌رغم این، خودگروی روان‌شناختی در فلسفه اخلاق دارای اهمیت است؛ زیرا در صورت صادق بودن نظریه خودگرایی روان‌شناختی، هر نظام اخلاقی‌ای که معتقد باشد ما باید کاری را انجام دهیم که منافع شخصی خودمان را تحقق نبخشد، کاذب خواهد بود. (کمپیل، ۱۳۸۰: ۲۲) چنین نظامی به روشنی واقعیت‌ها را زیر پا می‌گذارد؛ یعنی از انسان‌ها کاری را می‌طلبد که قادر به انجام آن نیستند. بنابراین، اهمیت خودگرایی روان‌شناختی در این است که نظریه‌های اخلاقی‌ای را که خودگرایانه نیستند، رد می‌کند (پالمر، ۱۳۸۸: ۷۱) از طرف دیگر از نظر برخی دلیل عمده‌ای که مبنایی برای خودگروی اخلاقی محسوب شده، دلیلی روان‌شناختی است که برآمده از طبیعت آدمی است. (فرانکنا، ۱۳۸۳: ۵۷) خودگرایی اخلاقی<sup>۳</sup> نظریه‌ای هنجاری است در باب اینکه انسان چگونه باید رفتار کند. این نظریه بیانگر این دیدگاه بنیادین است که تنها وظیفه انسان تحقق منافع خود اوست (ریچلز، ۱۳۹۶: ۱۳۴) و آدمی باید همواره خیر شخصی خود را - که غایت اوست - به حداکثر برساند. (هولمز، ۱۳۸۲: ۱۳۱) حال با توجه به معرفی اجمالی صورت‌گرفته از نظریات خودگروانه، ضروری است جایگاه مفاهیم اصلی و اساسی اخلاق از دیدگاه نظریه خودگروی مورد بررسی قرار گیرد. یکی از این مفاهیم، مفهوم ایثار است. این واژه از مفاهیم بسیار مهم و پر ارزش در بین مفاهیم اخلاقی است. از یک طرف بر اساس نظریه خودگروی روان‌شناختی ما انسان‌ها به‌گونه‌ای آفریده شده‌ایم که همواره دنبال سود یا

1. Egoism.

2. Psychological Egoism.

3. Normative Egoism.

رفاه خودمان هستیم و یا همیشه کاری را انجام می‌دهیم که گمان می‌کنیم بیشترین غلبه خیر بر شر را به ما می‌دهد و به تعبیری از نگاه این نظریه حب ذات تنها اصل اساسی در سرشت آدمی است. (فرانکنا، ۱۳۸۳: ۵۷) ایثار یکی از موضوعاتی است که در نظریه خودگرایی روان‌شناختی مطرح گردیده بدین صورت که معتقدان نظریه خودگرایی روان‌شناختی رفتارهای ایثاری را می‌پذیرند ولی تفسیر خودگرایانه می‌کند. درحالی که تبیین قرآنی از ایثار با خودگرایی روان‌شناختی سازگاری ندارد. از نظر قرآن انسان‌ها دارای انگیزه‌های دیگرگرایانه در کنار انگیزه‌های خودگرایانه هستند. تفسیر و تبیینی که از ایثار در قرآن کریم و آموزه‌های اخلاقی اسلام ارائه شده در تعارض جدی با نظریه خودگرایی روان‌شناختی است.

به‌همین جهت در این مقاله با روش توصیفی تحلیلی جایگاه ایثار در نظریه خودگرایی روان‌شناختی مورد بررسی قرار گرفته و با آموزه‌های قرآن کریم مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. سؤالات اصلی و محوری مقاله این است: ۱. ایثار در نظریه خودگرایی روان‌شناختی از چه جایگاهی برخوردار است؟ ۲. تعارض و تهاافت بین مقومات این نظریه و رفتار برآمده از روحیه و فرهنگ ایثار، بین پیروان و معتقدان بدان چه توجیهی می‌یابد؟ ۳. آموزه‌های اخلاقی قرآن چه توجیه و تبیینی از ایثار ارائه می‌دهند؟

### پیشینه بحث

در زمینه نظریه خودگرایی اعم از روان‌شناختی و اخلاقی، آثاری چند به نگارش درآمده است، از جمله: ۱. آقای سید محمد حسینی سورکی در مقاله‌ای که در شماره ۲۹ فصل‌نامه پژوهش‌های فلسفی - کلامی در سال ۱۳۸۵ به چاپ رسانده‌اند، به بررسی و نقد نظریه خودگرایی اخلاقی پرداخته است. در این مقاله نویسنده با اشاره به اقسام و تقریرهای مختلف خودگرایی اخلاقی و ارتباط آن با خودگرایی روان‌شناختی به طرح، تحقیق و بررسی ساختار و مؤلفه‌های این نظریه مبادرت نموده و دلایل موافقان و مخالفان این نظریه را مورد نقد و تحلیل قرار داده است. ۲. آقای روح‌الله شاکری زواردهی و خانم زینت کیانی در مقاله‌ای که در شماره ۱۶ پژوهشنامه اخلاق در سال ۱۳۹۱ به چاپ رسیده، نسبت خودگرایی اخلاقی و خودگرایی روان‌شناختی را مورد بررسی قرار داده‌اند. ۳. آقایان احمدحسین شریفی و حسین باقری نیز با چاپ مقاله ارزش‌های اخلاقی و خودگرایی روان‌شناختی در فصل‌نامه شماره ۳ مجله معرفت اخلاقی به بحث و بررسی پیرامون ابعاد و زوایای مختلف این نظریه پرداخته‌اند. براساس بررسی‌های به‌عمل آمده در هیچ‌یک از مقالات فوق‌الذکر و مقالاتی از این نوع که به بررسی ابعاد و زوایای نظریه خودگرایی پرداخته‌اند مسئله ایثار به‌طور خاص مورد بررسی قرار نگرفته، علاوه بر آن در این پژوهش نظریه خودگرایی با آموزه‌های اخلاقی قرآن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

### مفهوم‌شناسی واژه ایثار

ایثار بر وزن افعال از ریشه «ا.ث.ر» و به معنای برتری دادن (ابن‌منظور، ۱۴۲۸: ۲ / ۳۹۰) برگزیدن و اختیار کردن (زبیدی، ۱۴۱۴: ۶ / ۱۰) و ترجیح‌دادن و مقدم‌داشتن دیگری بر خود است. (جوهری، ۱۴۰۴: ۲ / ۵۷۵، راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۲) در زبان فارسی هم این واژه به معانی: ۱. بذل کردن، عطا کردن؛ ۲. دیگری را بر خود ترجیح دادن، بر خود برگزیدن؛ ۳. قوت لازم خود را به دیگری بخشیدن؛ ۴. مقدم‌داشتن دیگران و ترجیح‌دادن آنان بر خود در کل امور، آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۳ / ۳۶۸۲؛ معین، ۱۳۷۱: ۱ / ۴۱۲) خواجه نصیرالدین طوسی ایثار را این‌گونه تعریف می‌کند: «ایثار آن بود که بر نفس آسان باشد از سر مایحتاجی که به‌خاصه او تعلق داشته باشد برخاستن و بذل کردن در وجه کسی که استحقاق آن او را ثابت بود». (نصیرالدین طوسی، ۱۴۱۳: ۷۸) نراقی نیز ایثار را «جود و بخشش مال با وجود نیاز و احتیاج به آن» (نراقی، ۱۳۶۶: ۲ / ۱۶۳) تعریف کرده است.

### خودگرایی روان‌شناختی و ایثار

همان‌طور که بیان گردید نظریه خودگرایی روان‌شناختی آموزه‌ای اخلاقی نیست، بلکه نظریه‌ای است در باب انگیزش انسانی، که به ما می‌گوید: انسان‌ها چگونه آفریده شده‌اند، نه اینکه اعمال آنان درست است یا خطا (پالمر، ۱۳۸۸: ۷۱) براساس این نظریه، تنها چیزی که هرکس قادر به خواستن یا طلبیدن آن است، درنهایت، همان منافع شخصی خود اوست. (مک اینتایر، ۱۳۷۹: ۲۷۳) براساس این دیدگاه، منفعت شخصی، تنها انگیزه ممکن و معقول بر انجام هرکاری است. خودگرایی روان‌شناختی، یک فرضیه و ادعای تجربی و روان‌شناسانه است، که انگیزه تمامی اعمال و رفتارهای آدمی را در تبیینی واحد ارائه داده و بیان می‌نماید که انسان‌ها از حیث طبع و طینت، خودگرا آفریده شده‌اند و تنها به دنبال کسب منافع خود هستند و تمامی اعمال آنها با انگیزه‌های خودگروانه و برای نیل به منفعت شخصی صورت می‌پذیرد. به عبارت دیگر، انسان به‌گونه‌ای آفریده شده که تنها انگیزه حاکم بر تمامی افعال اختیاری او، منافع شخصی و حب‌ذات می‌باشد و از لحاظ روانی قادر نیست کاری را انجام دهد که به نفع شخصی خودش نباشد. (پالمر، ۱۳۸۸: ۷۱) از زاویه دید این گروه، ما آدمیان همگی چنان آفریده شده‌ایم که همیشه به دنبال سود یا رفاه خودمان بوده و همواره کاری را انجام می‌دهیم که به گمان ما بیشترین غلبه خیر بر شر را به ما می‌دهد. (Sober, 1998: P 129)

نخستین پرسشی که در مواجهه با این نظریه به ذهن متبادر می‌شود این است که ما انسان‌ها گاهی کارهایی را در حق هم‌نوعان خود و یا حتی حیوانات انجام می‌دهیم که علی‌الظاهر سود و منفعت شخصی

بر آنها مترتب نیست و یا حتی فراوان پیش می‌آید که جوانمردانه با چشم‌پوشی از نیاز شدید خود، بدون منت و با محبت و اخلاص می‌بخشیم، بدون آنکه از این بخشش چشم‌داشتی در میان باشد. حال سؤال این است غریزه حب‌ذات که محور اساسی خودگرایی روان‌شناختی است با امو دگرگونه چگونه قابل جمع است. طرف‌داران این نظریه بر این نکته تأکید می‌ورزند که خودگرایی روان‌شناختی منکر اعمال فداکارانه نیست. اعمال به اصطلاح غیرخودخواهانه در اشخاصی که چنین اعمالی را انجام می‌دهند، نوعی احساس رضایت از خود پدید می‌آورد، و این همان حقیقت این اعمال است. برای تبیین بهتر این رابطه از نظر طرف‌داران نظریه خودگرایی روان‌شناختی نمونه‌هایی بیان می‌گردد.

جان آوبری<sup>۱</sup> در طرح خلاصه‌اش از فلسفه هابز<sup>۲</sup> که در زندگی‌نامه‌های کوتاه به چاپ رسانیده، گفت‌وگوی هابز و کشیشی را که شاهد صدقه‌دادن وی به مرد مسکینی بوده است، نقل می‌کند. کشیش از هابز می‌پرسد آیا اگر عیسی فرمان نداده بود، صدقه می‌دادی. پاسخ هابز این بود که با صدقه‌دادن به فرد مسکین، فقط غصه او را تسکین نمی‌بخشم، بلکه سبب تسکین غصه خود از مشاهده غصه فرد مسکین، نیز می‌شوم. (مک اینتایر، ۱۳۹۲: ۵۴۳؛ مک اینتایر، ۱۳۷۹: ۲۷۲) به اعتقاد هابز هرگونه توجه به بهروزی دیگران نسبت به توجه به بهروزی خود من امری ثانوی بوده و در حقیقت فقط واسطه‌ای برای نیل به بهروزی خود من است. (مک اینتایر، ۱۳۷۹: ۲۷۳) قضیه مشهور نقل شده از آبراهام لینکلن<sup>۳</sup> (۱۸۶۵ - ۱۸۰۹ م) سیاست‌مدار و رئیس‌جمهور سابق آمریکا نیز به همین مسئله اشاره دارد. لینکلن به خودگرایی روان‌شناختی معتقد بوده است. (Pojman, 1999: 66) استدلال او در اثبات این دیدگاه بدین‌صورت است که: کمک به دیگران به خاطر نجات از پریشان‌خاطری خود فرد و رسیدن او به آسودگی و آرامش روحی است. وی این امر را جوهره اصلی خودگرایی روان‌شناختی معرفی می‌کند. (ریچلز، ۱۳۹۶: ۱۲۰؛ پالمز، ۱۳۸۸: ۷۳) هولمز<sup>۴</sup> نیز در مورد خودمحوری روان‌شناختی معتقد است: برای کسانی که از بیرون نظاره می‌کنند دلیل بدیهی مشارکت در خدمات اجتماعی نوع‌دوستی است، درحالی‌که رضایت‌خاطری که از کمک‌کردن به مردم احساس می‌کنیم خودخواهانه‌ترین دلیل است چراکه ما با کمک به دیگران به خودمان کمک می‌کنیم، کمک‌کردن به مردم کاری است که زمینه خوشحالی و آرامش ما را فراهم می‌سازد. (هولمز، ۱۳۸۲: ۱۴۱)

فیلسوفانی نظیر اپیکور<sup>۵</sup> و هابز و برخی از مردم معمولی، حرفشان همین است. خودمحوری روان‌شناختی، برخلاف خودمحوری اخلاقی، به خودی خود موضعی اخلاقی نیست. اما همانند

---

1. Jhon Aubery.  
2. Thomas Hobbes.  
3. Abraham Lincoln.  
4. Robert L. Holmes.  
5. Epikouros.

خودمحوری اخلاقی، لزوماً بر آن نیست که مردم، خیر دیگران را به چیزی نگیرند و به آن اعتنا نکنند. اینکه آنها چنین می‌کنند یا نه، بستگی به عقایدشان دارد، همان‌طور که در مورد خودمحوری اخلاقی نیز بر همین منوال است. اگر شما باور داشته باشید که ملاحظه‌کاری و یاری‌رساندن به دیگران بهترین راه برای پیشبرد خیر شماسست این کارها را انجام خواهید داد. برای اینکه بفهمیم آیا مردم با انگیزه خودمحوری عمل می‌کنند یا نه، لازم است بدانیم دلیل کارهای آنها چیست؟ از آنجایی که خودمحوری روان‌شناختی نظریه‌ای است در باب انگیزه‌های آدمی، برای اینکه بدانیم صحیح است یا نه، ضروری است دریابیم که چرا عموم مردم (حداقل وقتی از سر اختیار عمل می‌کنند) به این یا آن شکل رفتار می‌کنند. بنابراین، بیاییم به جای اینکه خودمحوری روان‌شناختی را نگرشی قلمداد کنیم دایر بر اینکه همه ما خودخواهیم، آن را دیدگاهی به‌شمار آوریم که می‌گوید کردار ما همواره متأثر از یک انگیزه است و آن انگیزه چیزی نیست مگر حب‌ذات. در اینجا این نگرش را در قالب یک اصل می‌توان بیان کرد: خودمحوری روان‌شناختی: یگانه انگیزه‌ای که بر تمامی اعمال اختیاری آدمی حکمرواست، حب‌ذات است. (پالمر، ۱۳۸۸: ۷۲)

بدین ترتیب حب‌ذات عبارت است از تمنای به حداکثر رساندن خیر شخصی خودمان، خیری که یگانه غایت همه اعمال ماست. از نظر برخی «اصحاب نظریه خودمحوری غالباً این خیر را سعادت می‌دانند». (هولمز، ۱۳۸۲: ۱۴۲)

بنابراین باید به روشنی بفهمیم خودگرایی روان‌شناختی در اینجا چه چیزی را نمی‌گوید. خودگرایی روان‌شناختی مدعی نیست که انسان‌ها خودخواهانه رفتار می‌کنند - یعنی این نظریه می‌پذیرد مثلاً برخی انسان‌ها زندگی‌شان را وقف کمک به دیگران می‌کنند - بلکه مدعی است انگیزه نهفته در ورای چنین اعمالی دائماً و نهایتاً انگیزه‌ای خودخواهانه است. به تعبیر دیگر، گرچه انسان‌ها بیشتر اعمال خیرخواهانه انجام می‌دهند (یعنی اعمالی که به سود دیگران است)، لکن نمی‌توانند خیرخواهانه عمل کنند. (یعنی فقط به‌خاطر کسانی که مورد کمک قرار گرفته‌اند، عمل کنند) انسان‌ها چنان آفریده شده‌اند که حتی زمانی که به دیگران کمک می‌کنند، از منافع خودشان غافل نیستند، بنابراین خودگرایی روان‌شناختی منکر اعمال فداکارانه و ایثار نیستند، بلکه صرفاً امیال فداکارانه و ایثار را انکار می‌کنند. (پالمر، ۱۳۸۸: ۷۳ - ۷۲) در واقع در خودگرایی روان‌شناختی ما با یک نوع تقلیل‌گرایی در رفتارهای ارزشمند آدمی مواجه هستیم و آن فروکاستن نیت و انگیزه کارهای خیر به انگیزه‌های خودخواهانه است.

#### الف) دلایل خودگرایی روان‌شناختی

برای تبیین و اثبات خودگرایی روان‌شناختی دلایل متعددی اقامه شده است از جمله فاینبرگ چهار دلیل در جانب‌داری از خودگرایی روان‌شناختی اقامه نموده است. (فاینبرگ، ۱۳۸۴: ۴۹)

### ۱. استدلال مالکیت شخصی

براساس این استدلال، هر عملی که از هر فردی سر می‌زند، نتیجه انگیزه‌ها یا امیال یا تحریک‌هایی است که متعلق به خود اوست نه فردی دیگر. به همین جهت، هرگاه شخص کاری انجام می‌دهد همواره به دنبال اهداف خاص خود بوده یا در تلاش برای برآوردن امیال خود می‌باشد. فاینبرگ از این بیان نتیجه می‌گیرد که اگر این توصیف در مورد تمامی اعمال همه انسان‌ها صحیح باشد، نتیجه آن خواهد بود که همه انسان‌ها در همه اعمال خود، خودخواه و خودگرا هستند.

### ۲. استدلال لذت‌گرایانه

به وضوح هر فردی از افراد انسان با دست‌یافتن به امیال و خواسته‌های خود احساس لذت می‌کند. این امر از نظر بسیاری، بیانگر آن است که در همه موارد آنچه واقعاً ما خواهان آن هستیم، لذت خودمان است و امور دیگر به عنوان ابزاری برای رسیدن به آن لذت مطلوب ماست.

### ۳. استدلال مبتنی بر خود فریبی

براساس این استدلال، هر چقدر ما خودمان را بیشتر بشناسیم، بیشتر متوجه خواهیم شد که تا چه میزان خودخواه هستیم، حتی هنگامی که معتقدیم عملکرد ما بی‌طرفانه بوده، با بررسی دقیق و عمیق متوجه خواهیم شد که واقعاً این‌گونه نبوده است.

### ۴. نظریه انگیزش لذت‌گرایانه

طرفداران این استدلال که آن را نظریه‌ای صحیح برای عقلانی کردن تربیت جوانان دانسته‌اند (فاینبرگ، ۱۳۸۴، ۴۹) آنها معتقدند؛ کودکان تنها با روش وعده پاداش‌های وسوسه‌انگیز و وعید مجازات‌های سخت به کسب فضایل اخلاقی نایل می‌شوند. از نظر آنان این نکته در مورد تاریخ همه بشر هم صادق است. در واقع، گرایش مردم به رفتارهای درست فقط در صورتی است که روشن باشد که در آن رفتار چیزی برای ایشان وجود دارد. بنابراین، بسیار محتمل است که در شیوه‌های تربیت اخلاقی ما هم دقیقاً همین سازوکار مفروض باشد. (شریفی و باقری، ۱۳۸۹، ۳۷)

### ب) دلایل منتقدان خودگرایی روان‌شناختی

خودگرایی روان‌شناختی از زمان طرح با انتقادات جدی مواجه بوده است؛ منتقدان این نظریه از جوزف باتلر<sup>۱</sup> (۱۷۵۲ - ۱۶۹۲ م) و هنری سیدجویک<sup>۲</sup> (۱۹۰۰ - ۱۸۳۸ م) گرفته تا متفکران معاصر استدلال‌هایی

1. Joseph Butler.

2. Henry Sidgwick.

را در رد نظریه خودگروی روان‌شناختی ارائه کرده‌اند. (کمپیل، ۱۳۸۰: ۲۲) از جمله این دلایل به موارد زیر می‌توان اشاره نمود:

۱. اگر نظریه خودگروی روان‌شناختی درست می‌بود در آن صورت ما نمی‌توانستیم از سر انگیزه‌ای بجز حب‌ذات دست به عملی بزنیم، این حرف بدین معنی است که نمی‌توانستیم آگاهانه غایتی غیر از خیر خودمان را دنبال کنیم. حال اگر نتوانیم آگاهانه غایتی غیر از خیر خودمان را دنبال کنیم، معنی ندارد که همانند معتقدان به نظریه خودگروی بگوئیم که باید دنبال این غایت باشیم. گفتن این حرف که ما باید کاری را انجام دهیم تنها در صورتی معنی می‌دهد که برایمان مقدور باشد آگاهانه به نحوی دیگر عمل کنیم و اگر خودگرایی روان‌شناختی صحیح می‌بود، در مورد پی‌جویی خیرمان چنین امکانی وجود نمی‌داشت. (هولمز، ۱۳۸۲: ۱۵۰)

۲. مدعای اصلی خودگروی روان‌شناختی در یک جمله عبارت بود از: «همه انسان‌ها در خدمت نفع شخصی خودشان هستند». این ادعا، با توجه به اینکه اطلاعاتی درباره جهان خارج به ما می‌دهد و مبتنی بر تجربه ما از جهان خارج می‌باشد، ادعایی تجربی است (empirical)، و یک گزاره تجربی در صورتی صادق است که با تجربه و مشاهده منطبق باشد و الا کاذب خواهد بود. در مورد گزاره «همه انسان‌ها در خدمت نفع شخصی خودشان هستند» اگر بگوئیم این گزاره از لحاظ تجربی صادق است، در آن صورت باید منظورمان این باشد که در همه موارد، یعنی درباره یکایک انسان‌ها صادق است، حال آنکه واضح است هیچ مشاهده‌ای نمی‌تواند چنین ادعایی را اثبات کند. این گزاره تعمیمی تجربی است - تعمیمی درباره ماهیت رفتار انسان - و بدین لحاظ مبتنی بر تجربه و مشاهده است. ولی این تعمیم چگونه تحقق می‌یابد؟ این ادعا تنها در صورتی صادق است که شاهدهی داشته باشیم مبنی بر اینکه هرگز عمل فداکارانه‌ای نبوده و نمی‌تواند باشد. و این امری است که خودگروان روان‌شناختی نمی‌توانند ارائه دهند. چگونه قائلان این دیدگاه می‌توانند یقین کنند انسانی که زندگی خود را فدای دیگران می‌کند و یا در راه تحقق باورها و آرمان‌هایش به شهادت می‌رسد، خودخواهانه عمل می‌کند، در جنگ‌های صدر اسلام و تاریخ هشت سال دفاع مقدس نمونه‌های فراوانی ثبت گردیده که افراد ایثارگرانه جان خود را در طبق اخلاص قرار داده و به شهادت رسیده‌اند، یا پزشکان و پرستارانی که در شرایط کرونایی با علم و آگاهی از خطرات آن، به نگهداری و درمان بیماران و مبتلایان می‌پردازند، نفع شخصی خود را مدنظر دارند؟ آیا باورمندان به نظریه خودگرایی روان‌شناختی این انسان‌ها را از نزدیک می‌شناسند؟ آیا شناخت‌شان از آنان کاملاً جامع است؟ البته نمی‌توانیم این احتمال را نادیده بگیریم که ممکن است برخی از این انسان‌ها انگیزه خودخواهانه داشته‌اند ولی اگر خودگرایی روان‌شناختی نتواند شاهدهی برای خودخواهانه بودن انگیزه

تمامی آنان به صورت موجه کلیه ارائه دهد، در آن صورت باید احتمال خودخواهانه نبودن انگیزه آنان را داد و این احتمال به تنهایی برای ابطال گزاره «همه انسان‌ها در خدمت نفع شخصی خود هستند» کافی است. (پالمر، ۱۳۸۸: ۷۶) پالمر<sup>۱</sup> سپس اضافه می‌کند: «در واقع، می‌توان پا را فراتر گذاشت و گفت: علی‌رغم اینکه ادعا می‌شود، این گزاره تجربی است، اصلاً گزاره‌ای تجربی نیست. صدق یا کذب گزاره‌های تجربی مبتنی بر شواهد موجود است. با این همه، ادعای خودگرایی روان‌شناختی امکان ابطال آن را در نظر نمی‌گیرد. (پالمر، ۱۳۸۸: ۷۶) به نظر می‌رسد ابطال ناپذیری این ایده و فرضیه، آن را با مشکل جدی روبه‌رو می‌کند و به اعتقاد برخی، آن را بی‌معنا می‌سازد. (Sober, 1998: 129 - 149)

۳. اشکال دیگری که بر این نظریه می‌توان گرفت این است که این نظریه دچار دوگانگی است، چراکه به سود فرد نیست که همه افراد به دنبال سود خود باشند، مطابق نظر کانت نمی‌توان خواهان این شد که اصل خودگرایی تبدیل به قانون عام شود. (معلمی، ۱۳۸۴: ۱۶۸)

۴. براساس این نظریه با توجه به اینکه همه انسان‌ها به دنبال سود خود هستند، هیچ‌گاه وظیفه توصیه، هدایت و راهنمایی تحقق نمی‌یابد، چراکه افراد در مشورت دادن به دیگران و داوری بین دو یا چند نفر باید سود و منفعت شخصی خود را در نظر بگیرند. (فرانکنا، ۱۳۷۶: ۴۷، ۵۲، ۵۴، ۵۵، ۵۷؛ ادوارز، ۱۳۷۸: ۲۴۶ - ۲۴۴)

۵. منحصر دانستن انگیزه‌های آدمی در انجام افعال به «نفع شخصی» و تفسیر خودخواهانه داشتن از ایثار و از خودگذشتگی در این نظریه به نظر می‌رسد محصول تک‌ساحتی دانستن انسان و تقلیل ارزش‌های والای انسانی است.

### جایگاه ایثار در قرآن

یکی از مهم‌ترین آموزه‌های اخلاقی قرآن کریم ایثار؛ دیگرخواهی و خواسته و نیاز دیگران را بر خود مقدم داشتن است. قرآن کریم با بیان شواهد و نمونه‌هایی، ایثار و ایثارگران را مورد ستایش قرار داده است. از جمله قرآن کریم می‌فرماید:

وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا. (انسان / ۸)

و غذای (خود) را با اینکه به آن علاقه (و نیاز) دارند به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می‌دهند.

سپس در این آیه کریمه انگیزه این ایثار را هم مورد توجه قرار داده و می‌فرماید: «(و می‌گویند:) ما

1. Michael Palmer.

شما را به خاطر خدا اطعام می‌کنیم و هیچ پاداشی و سپاسی از شما نمی‌خواهیم» فخرالدین رازی معتقد است این آیه در شأن علی علیه السلام و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است. وی این بیان خود را مستند به نقل بزرگان صحابه و مفسرین از جمله واحدی در *البسیط* و زمخشری در *کشاف* قرار می‌دهد (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ج ۳۰ / ۷۴۶) وی در ادامه روایتی را از ابن عباس در مورد بیماری حسنین و نذر امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام به تفصیل بیان می‌نماید بخشی از عبارت ابن عباس که فخرالدین رازی و بسیاری از مفسرین فریقین در ذیل این آیه نقل کرده‌اند از این قرار است: «... فطحت فاطمه صاعا و اختبرت خمسة أقراص علي عددهم و وضعوها بين أيديهم ليفطروا، فوقف عليهم سائل فقال: السلام عليكم أهل بيت محمد، مسكين من مساكين المسلمين أطعموني أطعمكم الله من موائد الجنة فأثروه و باتوا و لم يذوقوا إلا الماء و أصبحوا صائمين، فلما أمسوا و وضعوا الطعام بين أيديهم وقف عليهم يتيم فأثروه و جاءهم أسير في الثالثه، ففعلوا مثل ذلك ...». ظاهر آیه و روایاتی که در ذیل آن در منابع تفسیری نقل شده مشعر به این است که انسان‌ها فراتر از نیازهای خود دارای غریزه دیگرخواهی بوده و در مواقع ضروری این غریزه هم ظهور و بروز خود را دارد و شدت آن به حدی است که شخص علی‌رغم نیاز شدید و ضروری خود دیگری را در رساندن به منفعت و دفع مضرت بر خود مقدم می‌دارد. ابن عباس در مورد عبارت «و يطعمون الطعام علي حبه» این آیه می‌گوید: «يطعمون الطعام علي شهوتهم له و محبتهم إياه» (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱۰ / ۶۱۷) فراتر از خود براساس یک سلسله باورها و عقاید به خاطر جلب رضایت الهی اقدام به ایثار می‌نمایند.

همچنین قرآن کریم در آیه ۲۰۷ سوره بقره می‌فرماید:

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ ... (بقره / ۲۰۷)

بعضی از مردم (با ایمان و فداکار، همچون علی علیه السلام) در «لیلة لمبیت» به هنگام خفتن در جایگاه پیغمبر صلی الله علیه و آله) جان خود را به خاطر خشنودی خدا می‌فروشد ...

در این آیه هم قرآن کریم بیان می‌کند که برخی از افراد فداکارانه جان خود را در معرض خطر قرار می‌دهند. انگیزه انجام این ایثار فراتر از خود فرد و با در معرض خطر قراردادن جان به خاطر خشنودی خدای تبارک و تعالی انجام می‌گیرد. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱ / ۲۴۱) عبارت «يَشْرِي نَفْسَهُ» را این‌گونه توضیح داده‌اند: «أي يبيعهَا لا بتغَاء مَرْضَاتِ اللَّهِ» أي يبذل نفسه حتَّى يقتل» (طبرسی، ۱۳۷۷: ۱ / ۱۱۴) مرز این از خودگذشتگی و ایثار تا پای بذل جان و کشته شدن کشیده شده است. طبرسی درباره شأن نزول آیه دو نقل را بیان می‌نماید: ۱. «قیل: نزلت في أمير المؤمنين علیه السلام حين بات علي فراش رسول الله صلی الله علیه و آله و هرب النبي إلي الغار» ۲. «و قیل: نزلت في كلِّ مجاهد في سبيل الله». (همان) هر دو مورد مؤید این مطلب است که

برخلاف نظریه خودگرایی، انسان گاهی جانس را در مسیر اهداف بالاتر و با ارزش‌تری فدا می‌کند. مهم‌ترین آیه‌ای که در آن به صراحت از ایثار یاد شده، درباره میزبانی صمیمانه انصار از مهاجران پس از مهاجرت مسلمانان مکه به مدینه است:

وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَكَأِ يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ ... (سوره حشر / ۹)

و برای کسانی است که در این سرا [= سرزمین مدینه] و در سرای ایمان پیش از مهاجران مسکن گزیدند و کسانی را که به سویشان هجرت کنند دوست می‌دارند، و در دل خود نیازی به آن چه به مهاجران داده شده احساس نمی‌کنند و آنها را بر خود مقدم می‌دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند؛ کسانی که از بخل و حرص نفس خویش باز داشته شده‌اند رستگارند!

در ابتدای آیه خداوند، انصار را این‌گونه توصیف می‌کند: آنها پیش از آنکه مهاجران به مدینه هجرت کنند، در مدینه ساکن شدند و پیش از آنکه مهاجران به مدینه بیایند، ایمان آوردند و از پیامبر و مهاجران به بهترین وجه میزبانی کردند. (شیخ طوسی، بی‌تا: ج ۹ / ۵۶۵) در ادامه آیه سه توصیف از انصار را ارائه می‌دهد: «مهاجران را دوست می‌دارند»، «و در دل خود نیازی به آنچه به مهاجران داده شده، احساس نمی‌کنند» و «آنان را بر خود مقدم می‌دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند». به این ترتیب «محبت»، «بلندنظری» و «ایثار» را سه ویژگی انصار برمی‌شمارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۳ / ۵۱۸)

آن چیزی که سبب ارزش بسیار بالای این عمل مهاجران شده و قرآن کریم آن را مورد ستایش قرار داده، ایثار آنان به رغم نیاز شدید خودشان است. با توجه به اهمیت و صراحت این آیه در تبیین مسئله ایثار و ترجیح دیگران بر خود و دیگرخواهی توضیح بیشتری ارائه می‌گردد. در ذیل این آیه منابع تفسیری شأن نزول‌هایی ذکر کرده‌اند. از جمله:

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تقسیم غنیمت‌های قبیله بنی‌نضیر، به انصار اختیار دادند که اگر تمایل دارید اموال و خانه‌هایتان را با مهاجران تقسیم کنید و سپس با آنها در این غنیمت‌ها شریک گردید و یا اموال و خانه‌هایتان برای شما باشد ولی سهمی از غنائم نداشته باشید. انصار در جواب گفتند: اموال خود را با مهاجران تقسیم می‌کنیم و از غنائم نیز سهمی نمی‌خواهیم. (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۹ / ۳۹۰) بیشتر مفسران این شأن نزول را پذیرفته و آن را مناسب با ظاهر آیه دانسته‌اند. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۱: ج ۱ / ۱۹۴)
۲. فردی گرسنه نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و غذا طلب نمود. آن حضرت پس از آنکه از نبودن غذا در منزلش آگاه شد، از اصحاب پرسید چه کسی می‌تواند این شخص را مهمان کند؟ فردی از انصار پذیرفت

تا مهمان را به خانه خود ببرد، حال آنکه تنها به اندازه خانواده خود غذا داشت. وی و همسرش با خاموش کردن چراغ منزل و خوابانیدن کودکان، غذا را جلوی مهمان قرار داده همراه او بر سر سفره نشستند و بدون آنکه چیزی از غذا در دهان بگذارند، با مهمان همراهی کردند تا او گمان کند آنها نیز همراه او غذا می‌خورند، درحالی‌که گرسنه خوابیدند. (واحدی، ۱۴۱۱: ۴۳۹)

۳. برخی از منابع روایی، این واقعه را برای امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام نیز نقل کرده‌اند؛ (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۲ / ۷۴) ولی برخی مفسران معتقدند این آیه در مورد فردی از انصار نازل شده و آن‌چه برای امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام نقل شده بیشتر از باب تطبیق آیه است؛ یعنی این واقعه پس از نزول آیه بوده و می‌توان مفاد آیه را بر آنها نیز تطبیق داد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۳ / ۵۱۹)

۴. برخی از مفسران شأن نزول‌های دیگری نیز برای آیه ایثار نقل نموده‌اند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۹ / ۳۹۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۶ / ۱۹۵؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۱۹ / ۲۵) به هر حال ایثار و از خودگذشتگی و توجه به دیگران و اولویت قائل شدن به نیازهای دیگران در تزاحمات و غیر آن، یکی از اصول اخلاقی مورد پذیرش قرآن کریم و آموزه‌های اخلاقی اسلام است. مغنیه در ذیل عبارت «يُؤْتِرُونَ عَلِيَّ أَنْفُسَهُمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» می‌نویسد: «والایثار علی النفس مع الحاجه لا يعادله شيء الا التضحية بالنفس» (مغنیه، ۱۴۲۴: ۷ / ۲۹۰) نکته مهمی که در آیات الهی ذکر شده و قابل توجه می‌باشد این است که ایثار و امور ارزشمند دیگر به قصد نائل آمدن به قرب الهی و کسب رضایت حق تعالی صورت می‌پذیرد.

#### الف) رابطه ایثار و غریزه حب‌ذات

در اینجا ممکن است سؤالی مطرح شود و آن اینکه: از یک طرف براساس مباحث مطرح شده در علم النفس، دانشمندان مسلمان معتقدند نفس آدمی دارای قوای گوناگونی است. یکی از این قوا قوه نزوعیه یا باعته است. قوه نزوعیه قوه‌ای است که باعث برانگیخته شدن و حرکت عضله‌ها و عصب می‌گردد. طلب شیء یا گریز از آن، و اشتیاق یا کراهت، گزینش یا دوری از چیزها، حب و بغض، دوستی و دشمنی، خوف و امن، خشم و خشنودی، شهوت و ترحم و سایر عوارض نفس از این قوا نشأت می‌گیرد. (فارابی، ۱۳۵۸: ۷۶) قوه نزوعیه دارای دو شاخه است: ۱. قوه شهویه: این قوه، موجب دستیابی به چیزهای ضروری، لذت‌بخش و سودمندی می‌شود که مورد اشتیاق هستند. ۲. قوه غضبیه: این قوه موجب پرهیز از چیزهایی می‌گردد که مضر و نفرت‌انگیزند. (ابن سینا، ۱۳۶۴: ۳۲۷ - ۳۲۱) به واسطه حب‌ذات یا خوددوستی، قوه شهویه و غضبیه به‌طور طبیعی دنبال جلب منافع و دفع مضارّ مربوط به نفس آدمی است. و این میل و غریزه به‌عنوان انگیزه ذاتی عامل برانگیختگی آدمی برای فعالیت‌هایش می‌باشد و از سویی دیگر انسان برخلاف این گرایش درونی از خودگذشتگی به خرج داده و از نیازها و خواسته‌های شخصی

عبور می‌کند و در جهت کسب رضای حضرت حق و رسیدن به مقام عنایت و قرب دست به ایثار می‌زند. حال باید ببینیم آیا واقعاً بین این دو (یعنی بین خودگرایی و اعمال خیرخواهانه برآمده از حب‌ذات و انجام ایثار و دیگر اعمال و افعال دگرخواهانه که انسان جهت نائل شدن به قرب الهی و یا هر نیت و انگیزه‌ای آن را انجام می‌دهد) تراحم وجود دارد، یا اینکه تراحم بین آنها ظاهری بوده و قابل توجیه می‌باشد.

از نظر برخی از اندیشمندان مسلمان یکی از قوی‌ترین و اصیل‌ترین تمایلات و غرائز آدمی خوددوستی و حبنفس است (مصباح یزدی، ۱۳۷۶: ج ۲ / ۴۲) که می‌تواند زمینه میل به رشد و کمال یا سرچشمه تمام رذایل و مفسدات اخلاقی باشد؛ بنابراین حب‌ذات اگر در مسیر صحیح خود قرار گیرد و از حدود معین تجاوز نکند، باعث رشد شخصیت انسان و شکفته شدن استعدادهاش می‌شود و یکی از ارکان سعادت مادی و معنوی آدمی به حساب می‌آید. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۵ / ۲۹) حب و علاقه به خویشتن، روح عشق و امید به زندگی را در آدمی تقویت نموده و او را به جلب منافع و کسب علم و دانش و به دست آوردن کمالات نفسانی وامی‌دارد و سرانجام انسان را به اوج عزت و سربلندی می‌رساند.

علامه طباطبایی با اذعان به وجود این گزینه و کارکرد آن می‌فرماید: «گزینه حب ذات است که ما را وامی‌دارد به اینکه از هر مکروهی حذر نموده، و از اَلَم هر غذایی بگریزیم، و از مرگ فرار کنیم» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۵ / ۲۹۶) ایشان در ذیل آیه کریمه: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا \* إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا \* وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا» (سوره معارج / ۱۹) می‌فرماید کلمه «هلوع» صفتی است که از مصدر «هلع» - به فتح هاء و لام - که به معنای شدت حرص است، اشتقاق یافته. از نظر ایشان هلوع کسی است که هنگام برخورد با ناملایمات بسیار جزع می‌کند، و چون به خیری می‌رسد از انفاق به دیگران خودداری می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۲۰ / ۱۹ - ۱۸) ایشان در همین زمینه می‌فرماید: «و این هلع که انسان مجبول بر آن است - و خود از فروع حب‌ذات است - به خودی خود از رذائل اخلاقی نیست، و چطور می‌تواند صفت مذموم باشد با اینکه تنها وسیله‌ای است که انسان را دعوت می‌کند به اینکه خود را به سعادت و کمال وجودیش برساند، پس حرص به خودی خود بد نیست، وقتی بد می‌شود که انسان آن را بد کند و درست تدبیر نکند، در هر جا که پیش آمد مصرف کند، چه سزاوار باشد و چه نباشد، چه حق باشد و چه غیرحق، و این انحراف در سایر صفات انسانی نیز هست، هر صفت نفسانی اگر در حد اعتدال نگاه داشته شود فضیلت است، و اگر به طرف افراط و یا تفریط منحرف گردد، رذیله و مذموم می‌شود». (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۲۰ / ۱۸ و ۱۹) از نظر صاحب‌المیزان حب‌ذات به عنوان یک گزینه اصیل در انسان دارای فروعاتی می‌باشد و انسان با شناخت و معرفت از این گزینه، با توجه به هم‌نوع خود و نیازهای او که شبیه و همانند نیازهای خودش می‌باشد، در یک اقدام انسانی از نیازهای خود گذشته و

نیازهای دیگران را بر خود مقدم می‌دارد. ایشان به چگونگی ظهور و بروز رفتارهای دگرگروانه پرداخته و آن را این‌گونه تبیین می‌فرماید: «همین غریزه [حب‌ذات] ما را وا می‌دارد به اینکه نسبت به افراد هم‌نوع خود همین احساس را داشته باشیم، یعنی آنچه برای ما دردآور است برای افراد هم‌نوع خود نپسندیم، و آنچه برای خودمان دشوار است برای هم‌نوع خود نیز دشوار بدانیم، چون نفوس همه یک جورند.» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۵ / ۲۹۶) با این تبیین رابطه بین حب‌ذات و ایثار و از خودگذشتگی به خوبی مشخص می‌گردد.

آیت الله مصباح یزدی نیز معتقدند ابتداء چند گرایش در نفس ایجاد می‌شوند که درواقع، شاخه‌ها و کانال‌های اصلی ظهور فعالیت‌های انسان هستند که می‌شود آنها را غرائز اصلی نامید. از نظر ایشان غرائز اصلی سه گرایش است که از نفس سرچشمه می‌گیرند و همه تلاش‌های انسان توسط این سه گرایش و با این سه انگیزه انجام می‌شود که به نوبه خود این سه کانال اصلی (حب بقاء، حب کمال، لذت‌جویی) نیز از نظر ایشان از مظاهر گوناگون خوددوستی و حب نفس است. (مصباح یزدی، ۱۳۷۶: ج ۲ / ۴۲) باید توجه داشت که تفسیر و برداشت اندیشمندان مسلمان از حب‌ذات با آنچه که در نظریه خودگرایی روان‌شناختی بیان می‌گردد دارای تمایزات و تفاوت‌هایی است که به آن اشاره می‌گردد.

#### ب) تفاوت دیدگاه اخلاقی اسلام و دیدگاه خودگرایان روان‌شناختی

۱. گرچه انسان دارای غریزه حب‌ذات است، اما این حب، تنها میل اصیل در وجود آدمی نیست. انسان امیال و کشش‌های دیگری نیز دارد که برخی از آنها به جانب دیگران است. استاد مطهری در این زمینه می‌فرماید:

انسان از نظر خواسته‌ها و مطلوب‌ها نیز می‌تواند سطح والایی داشته باشد. انسان موجودی است ارزش‌جو، آرمان‌خواه و کمال‌مطلوب‌خواه، آرمان‌هایی را جستجو می‌کند که مادی و از نوع سود نیست، آرمان‌هایی که تنها به خودش و حداکثر همسر و فرزندانش اختصاص ندارد، عام و شامل و فراگیرنده همه بشریت است، به محیط و منطقه خاص یا قطعه‌ای خاص از زمان محدود نمی‌گردد. (مطهری، ۱۳۸۷: ج ۲ / ۲۳)

ایشان در مورد حد و مرز آرمان‌خواهی انسان معتقد است: «انسان آن‌چنان آرمان‌پرست است که حیانا ارزش عقیده و آرمانش فوق همه ارزش‌های دیگر قرار می‌گیرد، آسایش و خدمت به انسان‌ها از آسایش خودش با اهمیت‌تر می‌گردد ... به عقیده و آرمان مقدس خود آن‌چنان دل‌بستگی پیدا می‌کند که منافع خود، بلکه حیات و هستی خود را به سهولت فدای آن می‌نماید.» (همان) آیت‌الله مصباح یزدی نیز معتقدند محبت موجود در ذات نفس منحصر به «خوددوستی» یا «حب‌ذات» نیست بلکه عشق به خدا و پرستش او نیز جزء گرایش‌های فطری انسان است که ریشه در ذات نفس دارد. (مصباح یزدی، ۱۳۷۶:

۲ / ۳۱) قرآن کریم در آیه ۱۶۵ سوره بقره دو نوع دوستی را تبیین کرده می‌فرماید: «بعضی از مردم، معبودهایی غیر از خداوند برای خود انتخاب می‌کنند؛ و آنها را همچون خدا دوست می‌دارند. اما آنها که ایمان دارند، عشقشان به خدا، (از مشرکان نسبت به معبودهایشان)، شدیدتر است». از نگاه قرآن و روایات حب‌دنیا از موانع رشد انسان به‌شمار آمده است. بدین‌معنی که انسان در اثر مبتلاشدن به حب‌دنیا به لذت‌های دنیوی میل فراوانی پیدا کرده و گرایش‌های متعالی خویش را به فراموشی می‌سپارد. قرآن کریم حب‌دنیا را ناپسند شمرده و آنان را که دنیا را بر آخرت خویش ترجیح می‌دهند، سخت نکوهیده است. (سوره توبه / ۳۸) در نقطه مقابل در آیه ۷۲ سوره توبه مقام رضا و خشنودی خداوند را برتر و بزرگتر از هر نعمتی معرفی کرده و آن را فیروزی بزرگ می‌داند.

۲. از نظر اصول تربیتی و اخلاقی در اسلام، از یک‌طرف، به مبارزه و مجاهده با نفس و هوای نفس توصیه و تأکید شده و از طرف‌دیگر به حفظ بزرگواری و کرامت نفس تأکید می‌گردد. شهید مطهری در تبیین این امر می‌فرماید: «آیا در انسان دو «خود» وجود دارد که از نظر اخلاقی، با یکی از این‌ها باید مبارزه کرد و «خود» دیگر را باید احیا کرد و زنده نگه داشت؟ بدیهی است هرکس دو «من» و دو «خود» مجزاً از یکدیگر ندارد. این مسئله‌ای است که تنها در اسلام و اخلاق اسلامی مطرح نیست، برای دیگران هم مطرح است که برای انسان دو «خود» سراغ دارند و دو «خود» نشان می‌دهند که با یک «خود»، انسان باید مبارزه کند و انسانیتش به آن نیست، و «خود» دیگری دارد که خود شریف و اساسی و اصیل انسان، آن خود است ... به تعبیر قرآن، نفخه‌ای از روح الهی در انسان وجود دارد و «من» واقعی یک انسان، همان «من» الهی است. البته انسان «من» حیوانی هم دارد، ولی «من» حیوانی انسان، طفیلی و غیراصیل است. «من» اصیل آدمی، همان «من» ملکوتی است». (مطهری ۱۳۶۷: ۱۶۹ - ۱۶۷)

تفکیک این دو «من» یا دو «خود» می‌تواند به‌خوبی تبیین‌کننده نوع نگاه قرآن به مسئله حب‌ذات و مسئله ایثار و از خودگذشتگی و ... باشد. حب‌ذاتی که اندیشمندان مسلمان با نگاه به آموزه‌ها و تعالیم برآمده از قرآن و منابع روایی مورد توجه قرار داده‌اند دارای سطوح و مراتب گوناگونی است. در انسان‌شناسی قرآن، آدمی دارای ظرفیت‌های بسیار بالایی است و زیر پا گذاشتن انیت و تربیت و تأدیب نفس من متعالی انسان رخ می‌نماید.

۳. هرچند حب‌ذات به خودی خود مستلزم نفی توجه به نیازهای افراد دیگر نیست، ولی باید توجه داشت که برخلاف نظر مکتب خودگرایی روان‌شناختی که معتقد است این انگیزه صرفاً احساس رضایت خودمان است نه چیز دیگر، (فرانکنا، ۱۳۸۳: ۶۰) از نگاه قرآن انگیزه‌ها رفتارهای آدمی صرفاً برای رضایت خود فرد انجام نمی‌پذیرد. و موارد نقض فراوانی وجود دارد که رفتارهای دیگرگروانه برآمده از گرایش‌های متعالی آدمی است و به تعبیر قرآن کریم «رضوان من الله اکبر». (توبه / ۷۲)

۴. شالوده و بنیاد اساسی اخلاق اسلامی، توجه‌دادن انسان به شرافت و کرامت ذاتی خویش است. خودآگاهی و توجه به اینکه انسان موجودی علوی و برتر است و گوهری ارزشمند و بی‌مانند در خود دارد، او را - به دلیل حب‌ذات - به حراست و پاسداری از کرامت ذاتی خویش فرا می‌خواند و به‌سوی ارزش‌های متعالی اخلاق سوق می‌دهد.

۵. با توجه به آموزه‌های قرآنی و اصول نظام اخلاقی اسلام انسان افزون بر جسم و پدیده‌های جسمانی، دارای ساحت مستقل دیگری به نام روح است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۳۳۲) هرکدام از این دو جنبه انسان دارای منافع و لذت‌های خاصی هستند؛ از آنجاکه انسانیت انسان را همان روح و بُعد فرامادی او تشکیل می‌دهد؛ پس در هنگام تزامم و اصطکاک منافع روح و تن بایستی منافع و لذت‌های روح را بر لذت‌ها و منافع تن و جسم رجحان و برتری داد؛ زیرا لذت‌های روحی و انسانی دوام و جاودانگی دارند و از شدت و قوت بیشتری نیز برخوردارند و سعادت حقیقی و همیشگی انسان در گرو آنهاست. در پرتو این مطالب؛ تمام ایثارها و از خودگذشتن‌ها و فداکاری‌هایی که برخی در راستای آرمان‌های مقدس یا در جهت کمک به دیگران انجام می‌دهند توجیه منطقی پیدا می‌کند؛ زیرا چنین فردی از منافع مادی زودگذر خود چشم می‌پوشد تا به منافع و سودهای پایدار و ماندگار دست پیدا کند. مروری بر وقایع عاشورا و عملکرد امام حسین علیه السلام و اصحاب ایشان مؤید مباحث فوق است. چگونه می‌توان صحنه‌های زیبایی که امام حسین علیه السلام و یاران با وفای ایشان با ایثار و از خودگذشتگی خلق نمودند با نگاهی خودخواهانه تفسیر نمود. همه انسان‌ها فارغ از هر مرام و مسلکی در مواقعی ایثار را در سطوح مختلف در خود و اطرافیان نشان تجربه نموده‌اند، در شرح تفسیر این اعمال آیا خودگرایی روان‌شناختی می‌تواند توجیه کننده باشد. علی‌الخصوص درجایی که انسان‌ها برای رسیدن به آرمان‌های بلند و متعالی جان خود را ایثار می‌کنند.

۶. انگیزه افعالی متعالی و ارزشمند چون ایثار همان من ملکوتی انسان است که با انگیزه وصول به کمالات متعالی و نائل شدن به مقام قرب الهی و کسب رضایت او انجام می‌پذیرد. البته باید توجه داشت گاهی انسان به‌خاطر حب‌شهرت و خوش‌نامی یا به‌واسطه تعصبات قومی و فامیلی و یا رضایت خاطر و آرامش خود ایثار می‌کند و غیر را بر خود مقدم می‌دارد. (مطهری، ۱۳۸۶: ۶۹) این نوع از ایثار حاصل خودخواهی انسان بوده و مسلماً مد نظر قرآن کریم در این بحث نمی‌باشد.

### نتیجه

خودگرایی روان‌شناختی از مباحث مربوط به علم‌النفس اخلاقی است که به‌عنوان نظریه‌ای در باب انگیزه‌های رفتار آدمی است. براساس این نظریه، تنها چیزی که هرکس قادر به خواستن یا طلبیدن آن است، درنهایت، همان منافع شخصی خود اوست. براساس این دیدگاه، منفعت شخصی، تنها انگیزه ممکن

و معقول بر انجام هر کاری است. طرف‌داران این نظریه بر این نکته تأکید می‌ورزند که خودگرایی روان‌شناختی منکر اعمال فداکارانه نیست. اعمال به اصطلاح غیرخودخواهانه در اشخاصی که چنین اعمالی را انجام می‌دهند، نوعی احساس رضایت از خود پدید می‌آورد، منحصر دانستن انگیزه‌های آدمی در انجام افعال به «نفع شخصی» و تفسیر خودخواهانه داشتن از مفاهیم ارزشمندی چون ایثار و از خودگذشتگی در این نظریه محصول نگاه تک‌ساحتی داشتن به انسان و تقلیل ارزش‌های والای انسانی است. درحالی‌که مسئله ایثار از مسائل مهم آموزه‌های قرآن کریم و اخلاق اسلامی است. قرآن کریم با بیان شواهد و نمونه‌هایی، ایثار و ایثارگران را مورد ستایش قرار داده است. به تعبیر قرآن، نفخه‌ای از روح الهی در انسان وجود دارد و «من» واقعی یک انسان، همان «من» الهی است. البته از نظر قرآن، انسان «من» حیوانی هم دارد، ولی «من» حیوانی انسان، طفیلی و غیراصیل است. «من» اصیل آدمی، همان «من» ملکوتی است و منشأ افعال متعالی و ارزشمندی چون ایثار همان من ملکوتی انسان و با انگیزه وصول به کمالات متعالی و نائل شدن به مقام قرب الهی و جلب رضایت حق تعالی انجام می‌پذیرد.

## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی.
۲. ابن سینا، حسین بن عبدالله، ۱۳۶۴، *النجاة من الغرق فی بحر الضلالات*، با ویرایش و دیباچه محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، دانشگاه تهران.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، ۱۳۷۹ق، *مناقب آل ابي طالب*، قم، مؤسسه انتشارات علامه.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۲۸ق، *لسان العرب*، بیروت، دار الفکر.
۵. ادواردز، پل، ۱۳۷۸، *فلسفه اخلاق*، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران، تیبان.
۶. پالمر، مایکل، ۱۳۸۸، *مسائل اخلاقی*، ترجمه علیرضا آل‌بویه، تهران، سمت.
۷. جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۴ق، *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة*، محقق، عطار، احمد عبدالغفور، بیروت، دار العلم للملایین.
۸. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، *لغت‌نامه دهخدا*، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا، چاپ دوم از دوره جدید.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲، *المفردات فی غریب القرآن*، محقق صفوان عدنان الداودی، دمشق بیروت، دار القلم، الدار الشامیه.

۱۰. ریچلز، جیمز، ۱۳۹۶، *عناصر فلسفه اخلاق*، ترجمه محمود فتحعلی و علیرضا آل‌بویه، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چ ۲.
۱۱. زبیدی، محمد مرتضی، ۱۴۱۴ق، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دار الفکر.
۱۲. سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۰۴ق، *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۱۳. شریفی، احمد حسین و حسین باقری، ۱۳۸۹، «ارزش‌های اخلاقی و خود‌گرایی روان‌شناختی»، *فصلنامه معرفت اخلاقی*، ش ۱، سال سوم، ص ۴۲ - ۲۷.
۱۴. شیوند، جی. بی، ۱۳۷۸، «قرون هفدهم و هجدهم»، *تاریخ فلسفه اخلاق غرب*، ویراسته لارنس سی. بکر، ترجمه محمود فتحعلی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضی الله عنه.
۱۵. شیخ طوسی، محمد بن حسن، بی‌تا، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت، احیاء التراث العربی.
۱۶. طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۳۷۴، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، مقدمه، محمدجواد بلاغی، تهران، ناصر خسرو، چ ۳.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۷، *تفسیر جوامع الجامع*، تهران، دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
۱۹. فارابی، ابونصر، ۱۳۵۸، *سیاست مدینه*، ترجمه و تحشیه سید جعفر سجادی، تهران، انجمن فلسفه ایران.
۲۰. فاینبرگ، جول، ۱۳۸۴، «خود‌گرایی روان‌شناختی»، ترجمه منصور نصیری، *مجموعه مقالات جستارهایی در روان‌شناسی اخلاق*، قم، دفتر نشر معارف، ص ۸۸ - ۴۸.
۲۱. فخرالدین رازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ ۳.
۲۲. فرانکنا، ویلیام. کی، ۱۳۸۳، *فلسفه اخلاق*، ترجمه صادقی، هادی، قم، مؤسسه فرهنگی طه.
۲۳. فیض کاشانی، مولی محسن، ۱۴۱۵، *تفسیر الصافی*، تحقیق حسین اعلمی، تهران، الصدر، چ ۲.
۲۴. قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
۲۵. کمپبل، ریچموند، ۱۳۸۰، *خود‌گرایی*، *مجموعه مقالات فلسفه اخلاق*، ترجمه امیر خواص، ویراسته بکر لارنس سی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۶. محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۹۱، *دانشنامه قرآن و حدیث*، ترجمه حمیدرضا آژیر و حمیدرضا شیخی، قم، دار الحدیث.

بررسی جایگاه اینار در نظریه خودگرایی روان‌شناختی و ارزیابی آن با آموزه‌های اخلاقی قرآن □ ۴۵

۲۷. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۷۶، *اخلاق در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۸. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۸۴، *نقد و بررسی مکاتب اخلاقی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۹. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۷، *فلسفه اخلاق*، تهران، صدرا، چ ۳.
۳۰. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۶، *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران، صدرا، چ ۵۲.
۳۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۷، *مجموعه آثار (مقدمه‌ای بر جهان‌بینی توحیدی)*، تهران، صدرا، چ ۱۵.
۳۲. معلمی، حسن، ۱۳۸۴، *فلسفه اخلاق*، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
۳۳. معین، محمد، ۱۳۷۱، *فرهنگ فارسی*، تهران، امیرکبیر، چ ۸.
۳۴. مغنیه، محمدجواد، ۱۴۲۴ق، *التفسیر الکاشف*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۳۵. مک اینتایر، السدر، ۱۳۷۹، *تاریخچه فلسفه اخلاق*، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران، حکمت.
۳۶. مک اینتایر، السدر، ۱۳۹۲، *خودگرایی و غیرگرایی، دانشنامه فلسفه اخلاق*، ویراسته پل ادواردز و بورچرت دونالد ام.، مقدمه، ترجمه و تدوین انشاءالله رحمتی، تهران، سوفیا.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چ ۳۲.
۳۸. نراقی، مولی مهدی، ۱۳۶۶، *جامع السعادات «علم اخلاق اسلامی»* ترجمه سید جلال‌الدین مجتبیوی، تهران، حکمت.
۳۹. نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، ۱۴۱۳، *اخلاق ناصری*، تهران، علمیه اسلامیة.
۴۰. هولمز، رابرت، ۱۳۸۲، *مبانی فلسفه اخلاق*، ترجمه مسعود علیا، تهران، ققنوس.
۴۱. واحدی، علی بن احمد، ۱۴۱۱ق، *اسباب نزول قرآن*، المحقق کمال بسیونی زغلول، بیروت، دارالکتب العلمیه.

42. Sober, Elliot, 1998, *Psychological egoism in Ethical Theories*, edited by tlughlaflette, Blackwell. publishers, Oxford.

43. Pojman, L. P, 1999, *Ethics Discovering Right and Wrong*, U. S. A, Wadsworth publishing Company.

